

«طرح شفافیت» سرگردان بین مجلس و مجمع تشخیص است. برخی می گویند هیات نظارت عامل تعلل در به سرانجام رسیدن طرح شفافیت است و برخی دیگر هم توپ را در زمین پارلمان می اندازند و از برخی تلاش ها در درون مجلس برای جلوگیری از به سرانجام رسیدن این طرح روایت می کنند. هاجر چنارانی، عضو کمیسیون حقوق و قضایی مجلس شورای اسلامی در این مورد می گوید: بنده از ابتدا طرفدار شفافیت بودم و همه آرای خود را به مردم اعلام می کنم.

طرح شفافیت هنوز به مجلس بازنگشته است

وی در واکنش به این سوال که چرا شفافیتی که مجلس یازدهم شعار آن را می داد قانونی نشد، افزود: طرح شفافیت قانونی شد، به شورای نگهبان ارسال کردیم و در آنجا گیر کرده و گرنه مجلس به شفافیت رای داد. واقعیت امر این است که ما گفتیم غیر از مجلس نهادهای دیگر هم باید شفاف سازی کنند اما آنها می گویند خیر، فقط مجلس باید شفاف سازی کند اما با این وجود هنوز طرح مذکور به مجلس برنگشته است.

با شفافیت مخالف نیستیم

چنارانی در مورد اینکه بسیاری بر این باور هستند که الزام سایر نهادها نظیر مجمع تشخیص و شورای نگهبان به شفافیت به معنای سنگ اندازی و مانع تراشی در شفافیت است، تصریح کرد: خیر، به این ترتیب نیست چرا که با شفاف سازی موافق هستیم و شورای نگهبان طرح را به مجمع ارسال کرده که باید آن را پیگیری کنیم. علاوه چنارانی یکی دیگر از نمایندگان نیز توپ شفافیت را در زمین مجمع تشخیص مصلحت نظام انداخت و از قالیباف خواست که این موضوع را پیگیری کند.

هیات نظارت کمک کند طرح شفافیت عملیاتی شود

فاطمه محمدبیگی، نماینده مردم قزوین در مجلس شورای اسلامی در واکنش به اینکه شما یکی از اعضا کنندگان طرح شفافیت هستید اما در ماه های پایانی عمر مجلس یازدهم هنوز این طرح به نتیجه نرسیده، گفت: بنده در حال حاضر آرای خودم را شفاف می کنم و با ایندما شفافیت برای بنده اهمیت داشته است. او در واکنش به اینکه طرح شفافیت هنوز تبدیل به قانون نشده است، افزود: بنده از مجمع تشخیص مصلحت نظام می خواهم که هر چه سریع تر عیب های طرح شفافیت را برطرف کند و هیات عالی نظارت بر مصوبات به ما نمایندگان که قول قطعی در مورد طرح شفافیت به مردم دادیم، کمک کند بتوانیم این شعار را عملیاتی کنیم البته خود ما این اقدام را عملیاتی می کنیم اما این اقدام ما با قانون تفاوت دارد. این نماینده مجلس گفت: واقعیت امر این است که شفافیت هر ۳ قوه به نفع ایجاد سرمایه اجتماعی برای نظام است، قطعاً با رعایت اصول مردمگانی و حفظ برخی اطلاعات که برای جلوگیری از نفوذ دشمن لازم است، رعایت شفافیت برای هر ۳ قوه متضمن سلامت ساختاری دستگاه های اداری خدمات دهنده به مردم، متضمن مبارزه با فساد است و باعث کاهش هزینه نم، کاهش جرائم و اختلالاتی می شود که در نظام اداری کشور وجود دارد. بنده مطمئن هستم که شفافیت منجر به افزایش سرمایه اجتماعی می شود چرا که نظام جمهوری اسلامی ایران بر پای حق، عدالت، اسلام و کرامت انسانی استوار شده و طبیعتاً شفاف بودن برای مردم هم زیرمجموعه این موارد محسوب می شود به این ترتیب که از طریق شفافیت می توان دسترسی به عدالت را افزایش داد.

طرح شفافیت اشکالی ندارد

محمدبیگی در پاسخ به اینکه طرح شفافیت یک بار به مجمع تشخیص مصلحت رفت، اشکالاتی لحاظ شد و مجلس آنها را برطرف کرد، در حال حاضر مجمع چه تکته ای پیرامون طرح شفافیت دارد؟ خاطر نشان کرد: سوال بنده هم همین است، از نظر بنده اشکالی وجود ندارد ما به طر حی که مصوب کردیم اصرار داریم، اگر واقعاً اشکالی وجود دارد، بایمان اعلام کنند و با هم گفت و گو کرده و موارد را برطرف کنیم. او در واکنش به اینکه شما به عنوان نماینده طرفدار شفافیت پیگیری کردید که چه کسی می کسانی به دنبال سنگ اندازی برای تصویب مصوبه شفافیت هستند؟ یادآور شد: بله، پیگیری کردیم و در حال حاضر هم از قالیباف خواسته ایم که از طرف ما حضور پیدا کند و مطالبات ما را پیگیری کند.

مجمع تشخیص عقب نشینی می کند؟

اما با وجود اینکه این دو نماینده مجلس و البته برخی دیگر از نمایندگان توپ شفافیت را به زمین مجمع تشخیص می اندازند به نظر می رسد قرار نیست این توپ با عقب نشینی مجمعی ها از زمین این نهاد مهم سیاسی خارج شود. نشانه ها نیز حکایت از آن دارد که عقب نشینی مجلس از خواسته خود برای شفاف شدن مجمع تشخیص احتمال قوی تری است تا شاید از این مسیر این طرح در ماه های پایانی مجلس یازدهم به سرانجام برسد و شاید به کمک حامیان این طرح در ایام تبلیغات انتخاباتی بیاید.

یادداشت

تأملی در شیوه های پروپاگاندا



محمد رهبری

جامعه شناس سیاسی

در سال ۲۰۱۴ پرواز شماره ۱۷ هواپیمای مالزی، از آمستردام هلند به مقصد مالزی در حرکت بود که در میانه راه در مرز روسیه و اوکراین با شلیک یک موشک سرنگون شد. دولت روسیه، اوکراین را مسئول شلیک این موشک عنوان کردند در حالی که اوکراین مدعی بود که این موشک از سمت یک پایگاه نظامی روسی شلیک شده بود و برای آن شواهدی نیز ارائه کرده بود. با این حال، مردم در تشخیص واقعیت در آن زمان دچار مشکل بودند. آن طور که کریس شافر در کتاب «داده در برابر دمو کراسی» نقل می کند، علت ناتوانی مردم در تشخیص واقعیت تعدد روایت های موجود بود. او فرض را بر این می گذارد که شبه نظامیان هوادار دولت روسیه مسئول شلیک موشک بودند و می گوید پس از سقوط هواپیما، دولت روسیه «روایت های متعددی را از طریق رسانه های مختلف منتشر کرد تا باعث ایجاد سردرگمی مردم شود و پژوهشگرانی که موضوع را بررسی می کردند وادار کنند تا چیزهای بیشتری را بررسی کنند و با ایجاد ابهام در مسأله، به حس عمومی سرگردانی دوام بخشد.» او می گوید پس از مدتی مردم دیگر در تشخیص واقعیت رخ داده دچار مشکل شدند و می گفتند «نمی دانم چه کسی یا اخبار کدام رسانه را باور کنم.» این مثالی است از کارکرد پروپاگاندا در دنیای جدیدی که در آن حجم زیادی از داده هر لحظه منتشر می شود و هر شخصی می تواند در شبکه های اجتماعی یک روایت از یک مسأله ارائه کند. پروپاگاندا و اثرگذاری بر ذهن مردم در این شرایط جدید ابزارها و روش های خاص خودش را دارد. یکی از این روش ها، تعداد روایت های مختلف از یک مسأله است. مشابه همین کاری که به ادعای کریس شافر، روسیه در سال ۲۰۱۴ در رابطه با سقوط هواپیمای مالزیایی کرده است. در این روش، ادعاهای مختلف از منابع خبری و رسانه ای مختلف تکرار می شود تا تشخیص درست از غلط شوری شود. این موضوع را می توان در ماجرای حمله به بیمارستان غزه نیز مشاهده کرد. رفتار رسانه های وابسته به اسرائیل بیانگر نوعی پروپاگاندا بود که حالا بخشی از مخاطبان بین المللی و فارسی زبان را دچار ابهام کرده است. از همان زمان اعلام خبر حمله به بیمارستان، چندین روایت از سمت اسرائیلی ها منتشر شده است. ابتدا برخی از کاربران نزدیک به نتایج وادعا کردند که این حمله کار خود اسرائیل بوده است و به آن افتخار هم کردند؛ اما پس از مدتی روایت دیگری مطرح کردند. روایت دوم این بود که فلسطینی ها به اشتباه به سمت کودکان راکت زده اند. پس از مدتی روایت دیگری از سمت اسرائیلی ها مطرح شد. آن ها ادعا کردند که موشک فلسطینی که به سمت اسرائیل نشانه افته بود، در میان مسیر سقوط کرده است و روی روی بیمارستان افتاده است. آخرین روایتی که آن ها در این رابطه منتشر کردند این ادعا بود که اساساً اتفاق خاصی نیفتاده است، موشکی به سمت بیمارستان شلیک نشده، صرفاً یک راکت به پارکینگ بیمارستان اصابت داشته و در مجموع - ۳۰۲۰ نفر کشته شدند. این در حالی است که گزارش تحقیقی الجزیره به خوبی نشان می دهد که راکت فلسطینی ها به سمت بیمارستان نرفته است و در سوی دیگر نیز، بایدن، مکرون و جوزف بورل هر سه حمله به بیمارستان را تأیید کرده و تخمین رسانه ها معتبر از تعداد کشته شدگان تا ۵۰۰ کشته است. با این حال، به علت تعدد روایت ها، بسیاری از کاربران دیگر به این موضوعات توجه نکرد و موضوع را رها کردند. فارغ از اینکه واقعیت چیست و روایت صحیح کدام است (که موضوع این یادداشت نیست) آنچه در این جریان مشاهده می شود، پروپاگانداي شدید اسرائیلی ها راجع به فاجعه بیمارستان غزه است. دقیقاً مشابه با آنچه در نسبت با ماجرای برخورد موشک با هواپیمای مالزیایی مشاهده شد، اینجا نیز به علت تعدد روایات مختلف، وقت زیادی برای بررسی هر کدام گذاشته شد و با ایجاد ابهام در مسأله، نوعی حس سردرگانی و ناتوانی از تشخیص واقعیت ایجاد شد تا جایی که بسیاری از کاربران شبکه های اجتماعی، دیگران نیز موضوع را برای تشخیص آنچه رخ داد دنبال نمی کنند. اسرائیل در پروپاگاندا تبحر خاصی دارد و اینجا نیز با ایجاد روایت های مختلف از طریق رسانه های مختلف و متکثر، توانست نوعی سردرگمی در میان بخشی از کاربران شبکه های اجتماعی ایجاد کند. این تکنیک پروپاگاندا، تکنیکی است که امروزه، و خصوصاً در زمانی که تنش های سیاسی و نظامی بالا می گیرد، در شبکه های اجتماعی بیش از پیش مورد استفاده قرار می گیرد. همان طور که کریس شافر می گوید «فرآوانی اطلاعات، محدودیت های شناخت انسان، شونده تا ما را در برابر تبلیغات و اطلاعات الگوریتمی با هم ترکیب می کند تا ما را در برابر تبلیغات و اطلاعات نادرست آسیب پذیر کنند.» تکنیک های پروپاگاندا عمدتاً توسط دولت ها برای فریب افکار عمومی اجرا می شود و ضرورت دارد تا کاربران شبکه های اجتماعی، خصوصاً آن دسته افرادی که سیاست را دنبال می کنند، نسبت به روش های پروپاگاندا و نحوه پیاده سازی آن آگاه باشند.

در پیچه

یک کارشناس مسائل اسرائیل مطرح کرد:

۳ دلیل تعویق حمله ز مینی اسرائیل به غزه

یک کارشناس مسائل اسرائیل در تشریح دلایل تعویق عملیات زمینی ارتش اسرائیل در غزه اظهار کرد: اسرائیل حمله به غزه را به تعویق انداخته اما نباید این موضوع را نادیده گرفت که در سال ۲۰۱۴ هم چنین اتفاقی رخ داده بود. حالا سخنگوی ارتش اسرائیل اعلام کرده که در حال آماده کردن زمین برای اجرای عملیات نظامی علیه غزه هستند و به همین دلیل باید گفت که این اظهارات نشان می دهد تلاؤیو به دنبال اجرای حمله زمینی به غزه است. توجه داشته باشید که به تعویق انداختن سه باره حمله زمینی به غزه نشان می دهد که موانعی روبروی اسرائیل است. دفعه دوم که حمله به غزه به تعویق افتاد مصادف با ورود جو بایدن، رئیس جمهور ایالات متحده به اسرائیل بود اما حالا موانعی در این بین وجود دارد. سید محمدجعفر رضوی گفت: نخستین مانع، عکس العمل مقاومت در بدو ورود اسرائیل به غزه است. مانع دوم، بحث حمایت ایالات متحده خواهد بود. سران رژیم صهیونیستی فکر می کنند که واشنگتن به صورت جدی از تل آویوو حمله زمینی آنها به غزه حمایت نکرده است. در این بین باید متوجه بود که نگرانی سوم بحث توسعه جنگ و گسترش آن به منطقه است و معتقدم که اسرائیل عامل اصلی توقف حمله زمینی به غزه را همین موضوع می داند. به عبارت دیگر ترس از گسترش جنگ در منطقه باعث شده تا اسرائیل فعلاً برای سومین بار حمله زمینی خود به غزه را به تعویق بیندازد چرا که آنها می دانند اگر چنین اقدامی صورت بگیرد جریان مقاومت در سراسر منطقه منافع اسرائیل و ایالات متحده را مورد هدف قرار خواهد داد.

پیر محمد ملازهی در گفت و گو با «آرمان ملی»:

طالبان

یک خطر بالقوه به شمار می رود

جمهوری اسلامی و طالبان از نظر

یدئولوژیک با هم تعارض دارند

احتمال آنکه در آینده تنش های ایران و طالبان افزایش یابد، زیاد است

آرمان ملی - احسان انصاری: اخیراً شایعات تعجب برانگیزی درباره حضور مهاجران افغانی در ایران وجود به نظر می شود. شایعاتی که البته هنوز در حد شایعه است و هیچ نهاد رسمی آن را تأیید نکرده است. با این وجود به نظر می رسد حضور مهاجران افغانی در ایران به صورت یوز محسوس در حال افزایش است. از سوی دیگر مشکلات ایران و طالبان نیز مانند استخوان لای زخم است که هر لحظه امکان دارد سر باز کرده و روابط دو کشور را متشنج کند. «آرمان ملی» برای تحلیل و بررسی این موضوع و پیامدهای احتمالی آن با پیرمحمد ملازهی، کارشناس مسائل افغانستان گفت و گو کرده است. پیرملازهی می گوید: «پس از انقلاب اسلامی انعطاف بیشتری برای حضور افغان های جنگ زده در ایران وجود داشت و مهمان نوازی صورت گرفته است. این در حالی است که در شرایط فعلی سخت گیری های بیشتری در این زمینه صورت می گیرد و کسانی که به صورت غیر قانونی وارد ایران شده اند، از کشور اخراج می شوند. در ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی و زمانی که شوروی به افغانستان حمله کرد و موج عظیمی از مهاجران افغانی به سمت ایران راه افتاد و ایرانی ها انعطاف زیادی نسبت به این موضوع نشان دادند و به همین دلیل نیز میزان مهاجرت افغان ها به ایران زیاد بود. دلیل این اتفاق نیز به دلیل اسلامی بودن دو کشور بود. در شرایط کنونی هم نزدیک به پنج میلیون افغان به ایران رفت و آمد می کنند که بخش عمده این رفت و آمدها نیز به صورت غیر قانونی است. به همین خاطر، اگر مجموعه این شرایط را در نظر بگیریم و به این نتیجه می رسیم که طالبان در بلندمدت یک خطر بالقوه و چالش برانگیز برای ایران خواهد بود و به همین دلیل ایران باید سیاست روشنی در مقابل طالبان در پیش بگیرد» در ادامه این گفت و گو را می خوانید.

شائبه های مختلفی درباره مهاجران افغانی در ایران به وجود آمده است؟ چرا میزان مهاجرت ها نسبت به گذشته کاهش پیدا نکرده است؟

بر اساس آمارهای غیر رسمی میزان مهاجران افغانی در ایران بین پنج تا هشت میلیون نفر است. این در حالی است که براساس آمارهای رسمی در حدود پنج میلیون مهاجر افغانی در کشور وجود دارد. واقعیت این است که تا زمانی که افغانستان دچار ناامنی است و مردم این کشور در وضعیت خوبی زندگی نمی کنند به صورت طبیعی این مهاجرت ها صورت می گیرد. این مهاجرت ها تنها به ایران نیست، بلکه به کشورهای دیگر مانند پاکستان هم صورت می گیرد. برخی از مهاجران نیز که از وضعیت مالی بهتری برخوردار هستند، از ایران به عنوان یک راه ترانزیتی استفاده می کنند و به ترکیه می روند و پس از مدتی به کشورهای اروپایی مهاجرت می کنند. در چنین فضایی برخی گمانه زنی ها درباره مهاجران افغانی در ایران مطرح می کنند که درست یا نادرست بودن آنها مشخص نیست. یکی از این مسائل که به تازگی مطرح شده احتمال استفاده از مهاجران افغانی در انتخابات آینده است. این در حالی است که براساس قانون افراد خارجی حق رأی ندارند و تنها کسانی می توانند در انتخابات شرکت کنند که دارای شناسنامه باشند.

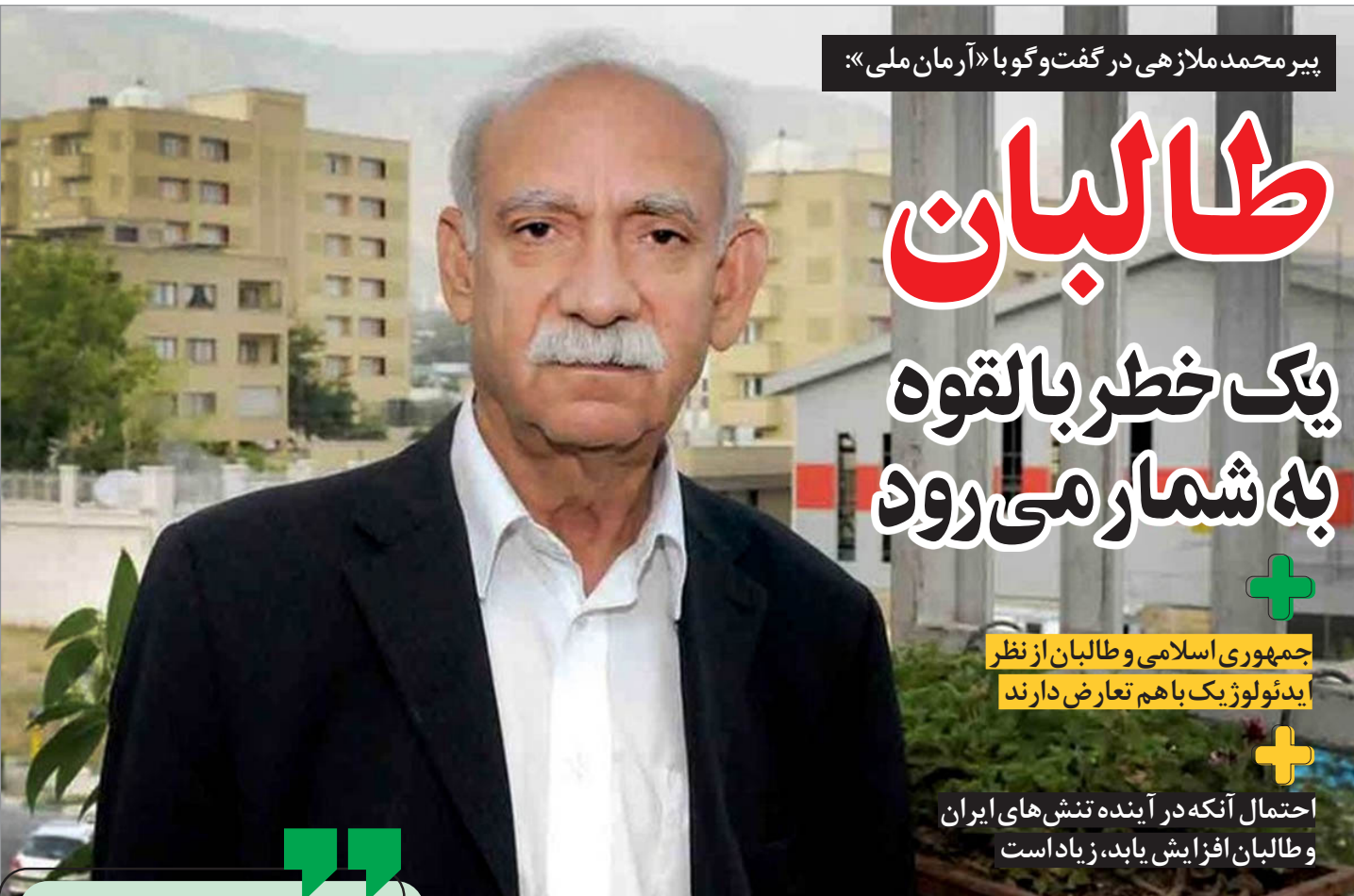
پس از نظر شما احتمالش وجود ندارد.

این موضوع بیش از آنکه به مسائل قانونی ارتباط داشته باشد به مناسبات قدرت در درون نظام سیاسی کشورها ارتباط پیدا می کند. در شرایط کنونی جریان های عوان می کند مطرح شدن چنین مسائلی توطئه دشمن است و کسانی که با نظام مخالف هستند به این مسائل دامن می زنند. از سوی دیگر جریان مقابل نیز انتقاداتی از این حجم از حضور افغان ها در ایران دارد.

چرا در شرایط کنونی انعطاف بیشتری نسبت به مهاجران افغانی نشان داده می شود؟

من وضعیت را به این شکل نمی بینم چون معتقدم پس از انقلاب اسلامی انعطاف بیشتری برای حضور افغان های جنگ زده در ایران وجود داشت و مهمان نوازی صورت گرفته است. این در حالی است که در شرایط فعلی

ایران در مورد طالبان با تردیدهایی مواجه است که آیا مناسبات خود با طالبان را به عنوان گروهی که در افغانستان به قدرت رسیده را تنظیم کند و یا با توجه به تضاد ایدئولوژیک که بین ایران و طالبان وجود دارد در آینده مناسبات بین ایران و طالبان، به سطحی پایین تر از مناسبات امروز برسد. نکته دیگر اینکه هنوز مشخص نیست طالبان در آینده چه رویکردی در پیش خواهد گرفت. نیروهای رادیکال نزدیک به طالبان مانند القاعده و شبکه حقانی با تفکرات و رویکردهای ایران همخوانی ندارند. بنابراین این احتمال وجود دارد که در آینده بین ایران و طالبان مشکلاتی ایجاد شود و به همین دلیل ایران باید تلاش کند چشم انداز آینده را به شکلی طراحی کند که منافع ملی ایران تأمین شود



برخی گمانه زنی ها درباره

مهاجران افغانی در ایران مطرح

می کنند که درست یا نادرست

بودن آنها مشخص نیست. یکی

از این مسائل که به تازگی مطرح

شده احتمال استفاده از مهاجران

افغانی در انتخابات آینده است. این

در حالی است که بر اساس قانون

افراد خارجی حق رأی ندارند و

تنها کسانی می توانند در انتخابات

شرکت کنند که دارای شناسنامه

باشند

از این زاویه به قضیه نگاه کنیم به این نتیجه می رسیم که احتمال همکاری های مشترک بین دو نظام وجود دارد و در آینده نیز وجود خواهد داشت. البته ایران در این زمینه با تردیدهایی مواجه است که آیا مناسبات خود با طالبان را به عنوان گروهی که در افغانستان به قدرت رسیده را تنظیم کند و یا با توجه به تضاد ایدئولوژیک که بین ایران و طالبان وجود دارد در آینده مناسبات بین ایران و طالبان، به سطحی پایین تر از مناسبات امروز برسد. نکته دیگر اینکه هنوز مشخص نیست طالبان در آینده چه رویکردی در پیش خواهد گرفت. نیروهای رادیکال نزدیک به طالبان مانند القاعده و شبکه حقانی با تفکرات و رویکردهای ایران همخوانی ندارند. بنابراین این احتمال وجود دارد که در آینده بین ایران و طالبان مشکلاتی ایجاد شود و به همین دلیل ایران باید تلاش کند چشم انداز آینده را به شکلی طراحی کند که منافع ملی ایران تأمین شود. اخیراً برخی درگیری مرزی بین ایران و طالبان رخ داد که البته هر دو کشور عنوان کردند این درگیری به دلیل سوء تفاهم بوده است. از سوی دیگر مسأله آب هیرمند هنوز بین دو کشور حل نشده و مشکلات در این زمینه وجود دارد. طالبان در این زمینه وعده هایی داده اما اینکه این وعده ها را در آینده عملی کند جای تردید و بحث وجود دارد.

با توجه به شواهد و قرائن موجود رویکردهایی

که طالبان از زمانی که قدرت را در افغانستان به

دست گرفته از خود نشان داده آیا در چشم انداز

آینده دو کشور ایران و افغانستان می توان طالبان را

یک خطر بالقوه برای ایران قلمداد کرد؟

در این زمینه یک واقعیت وجود دارد که زیاد مورد توجه قرار نگرفته است و آن واقعیت این است که طالبان یک گروه ایدئولوژیک هستند. منشأ ایدئولوژی طالبان نیز از سه جریان فکری مکتب دیوبندیه شبه قاره هند، مکتب سلفیت خاورمیانه ای و سنت ها و ارزش های قومی است که تحت عنوان پشتون والی معروف است. این سه جریان فکری مشی فکری طالبان را تشکیل داده است. نکته حائز اهمیت این است که طالبان جنبه های سخت افزاری این مکاتب را با هم ادغام کرده اند و نه جنبه های نرم افزاری. در شرایط کنونی ایران با عربستان، ترکیه و پاکستان در پشت پرده رقابت دارد. به نظر من در راستای این رقابت های پشت پرده در نهایت طالبان به شکلی رفتار خواهد کرد که به سود رقبای منطقه ای ایران تمام خواهد شد. همچنین مشکل مهم دیگری نیز وجود دارد که مواد مخدر است. در شرایطی که طالبان با مشکلات اقتصادی مواجه است به بعد به نظر می رسد بخواهند وضعیت مواد مخدر را کنترل کنند. از سوی دیگر، ایران یکی از مسیرهای اصلی ترانزیت مافیای مواد مخدر به شمار می رود و همین موضوع، سالانه از نظر انسانی و مادی هزینه های زیادی را به ایران تحمیل می کند. به همین دلیل مواد مخدر یک مسأله جدی امنیتی برای ایران است و منشأ آن نیز در افغانستان است. بنابراین نمی توان انتظار داشت طالبان مسأله مواد مخدر را که یکی از منابع اقتصادی آنها به شمار می رود به سود ایران حل کند. این موضوع در کنار مسأله دیگر یعنی مهاجرت ها غیر قانونی، حتما می تواند در آینده ایران را با چالش هایی جدی مواجه کند.